

تاریخ و تمدن اسلامی، سال هشتم، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۴۵-۷۱

## فرقه قرائیم و کلام اسلامی<sup>۱</sup>

محمد کاظم رحمتی<sup>۲</sup>

استادیار بنیاد دائرةالمعارف اسلامی، گروه علوم قرآن و حدیث، تهران، ایران

### چکیده

قرائیم، یکی از کهن‌ترین فرقه‌های موجود یهودیت پس از جریان رسمی آن - ربانیان - می‌باشد که در میانه قرن دوم شکل گرفت و بعدها به عنوان جریانی غالب در میان برخی مراکز یهودی ایران مورد پذیرش قرار گرفت. نکته مهم درباره فرقه قرائیم، تأثیرپذیری آنها از کلام اسلامی و تعاملشان با جریان کلامی معتزله است. نوشته حاضر، ضمن بررسی تاریخچه شکل‌گیری و تکوین قرائیم، برخی وجوه تأثیرپذیری قرائیم از کلام اسلامی را مورد بحث قرار داده است.

**کلیدواژه‌ها:** یهودیت، قرائیم، عانان بن داود، کلام اسلامی، معتزله.

---

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۸/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۲۵.

۲. رایانامه: kazemr112@gmail.com

## مقدمه

یهودیان از اقلیت‌های مهم ساکن در سرزمین‌های اسلامی بوده‌اند که به دلایلی خاص توجه مسلمانان را به خود جلب کرده و از همان روزگار کهن خاصه با اسلام آوردن برخی احبار یهودی چون وهب بن منبه و کعب الاحبار بخشی از میراث یهودیان خاصه در حوزه ادبیات تفسیری کتاب مقدس به سنت اسلامی راه یافت. علیرغم بحث و جدلهایی که میان مسلمانان در نقل مطالب مذکور وجود داشته، تقریباً تمام مفسران نخستین اسلامی، در توضیح داستان‌های قرآن در خصوص بنی‌اسرائیل، مطالب فراوانی از سنت داستانی متداول در میان یهودیان نقل کرده‌اند و به نحو مشخص تألیف آثاری با عنوان قصص الانبیاء، زمینه تداول گسترده‌تری برای این گونه ادبیات را در سنت اسلامی فراهم آورده که نخست به صورت المبتدأ نگاری در فرهنگ اسلامی ظهور کرد؛ کهنترین اثر از این دست ظاهراً کتابها مبتدأ الدنيا و قصص الانبیاء نوشته اسحاق بن بشر (د ۲۰۶) است که متن آن مورد استفاده نویسندگان بعدی بوده و تحریری از آن باقی مانده؛ کتاب بدء الخلق و قصص الانبیاء و ثیمه بن موسی فارسی (د ۲۳۷) اشاره کرد. ادبیات قصص الانبیاء نگاری خاصه در میان مفسران شرق اسلامی و چهره‌های شاخصی چون ابواسحاق احمد ثعلبی (د ۴۲۷) نویسنده کتاب عرائس المجالس فی قصص الانبیاء و یا کتاب قصص الانبیاء محمد بن عبدالله کسائی نیز رواج و تداول داشته است.<sup>۱</sup> بخش مهمی از کتاب المبتدأ و المبعث و المغازی ابن اسحاق نیز مشتمل بر روایات انبیاء گذشته بود، هر چند در تحریر بعدی کتاب، توسط زیاد بن عبدالله بکائی و شاگردش ابن هشام (د ۲۱۸) بخش اعظمی از این مطالب حذف شد، اما در آثار بعدی که تحریرهای دیگر ابن اسحاق را در دست داشتند به تفصیل مطالب فراوانی از بخش المبتدأ کتاب ابن اسحاق نقل شده است. البته این مراودات میان فرهنگ اسلامی و فرهنگ اهل کتاب به نحو عام، تعاملی یک‌سویه نبوده است؛ یهودیان ساکن در سرزمین‌های اسلامی برای حفظ و انسجام جامعه خود، زبان رسمی رایج در قلمرو اسلامی را فراگرفته و به ترجمه متون مذهبی خود به این زبان پرداخته‌اند که مشهورترین ترجمه‌های مذکور، ترجمه عربی عهد عتیق توسط سعدیا بن یوسف فیومی (د ۳۳۱) است؛ کما این که فیومی اثر مشهورش، کتاب الأمانات و الاعتقادات را نیز به عربی نگاشته

---

1. Kister, 1972, 215-239.

بود.<sup>۱</sup> تأثیرپذیری فرهنگ یهودی از فرهنگ اسلامی محدود به استفاده از زبان عربی و یا نام‌گذاری‌های اسلامی نبوده، بلکه میراث فکری اسلامی، خاصه در حوزه تفسیر عهد عتیق، عرفان و تصوف بر جریان‌های زهدگرایی یهودی تأثیر نهاد که نمونه بارز آن کتاب *الهدایة الی فرائض القلوب* ابن باقودا (ابن پاکودا) یهودی اندلسی است که در کتاب خود بارها کرات از متون اسلامی مطالبی در خصوص زهد نقل کرده است.<sup>۲</sup> هم‌چنین تأثیرپذیری از برخی آموزه‌های اسلامی در عقاید برخی مدعیان مسیحا یهودیان ساکن در جوامع اسلامی را می‌توان دید که نمونه‌ای بارز از آن ابوعلی اصفهانی است.<sup>۳</sup> برخی پیروان او معتقد بودند، ابوعلی اُمّی بوده و معجزه او نیز همین بود که با وجود بی‌بهره بودن از دانش، کتاب‌هایی عرضه کرده است.<sup>۴</sup>

دامنه تأثیرات فرهنگ اسلامی بر سنت یهودیت محدود به موارد مذکور نیست؛ یکی از کهن‌ترین انشعابات مذهب یهودی، یعنی فرقه قرائیم که در میانه قرن دوم هجری شکل گرفت، تأثیرات فراوانی از کلام و به درجه اندکی از اصول فقه اسلامی گرفته است. عالمان قرائیمی که علاقه وافری به میراث فکری معتزله داشته‌اند و ضمن پذیرش دیدگاه‌های کلامی معتزلیان، نقش مهمی در حفظ و استنساخ آثار معتزلی و انتقال آن ایفا کرده‌اند. با این حال جز موارد اندکی، تقریباً ملل و نحل‌نگاران و مورخان مسلمان، اطلاع روشنی از جریان مذکور نداشته‌اند؛ با این حال برخی از عالمان قرائیمی آثار خود را به عربی نیز نگاشته‌اند اما چون این آثار به خط عبری بوده، امکان استفاده نویسندگان مسلمان از آنها فراهم نشده است.<sup>۵</sup> با این حال، بر اساس

۱. درباره ترجمه عربی عهد عتیق توسط فیومی بنگرید به: قندیل، ۱۸۸-۱۹۵. برای شرح حال و اهمیت فیومی نک: جواد علی، ۱۳۸۰، ۱۵۶-۱۵۷، ۱۶۲-۱۶۹؛ پس از فیومی، ساموئیل بن حُفنی از عالمان ربانی نیز برخی آثار خود را به عربی نگاشته و ترجمه‌ای جدید از تورات به عربی نیز ارائه کرده است (نک: قندیل، ۲۰۲).

۲. برای بحثی از تأثیرگذاری سنت اسلامی بر وجوه مختلف فرهنگ یهودی نک: قندیل، ۴۱۷-۴۵۱.

۳. نک: کریستون، ۸۰-۸۱.

۴. قرقسانی، ۱ / ۱۲؛ درباره نظرات فقهی - کلامی ابوعلی اصفهانی نک: قرقسانی، ۵۱/۱-۵۲، Erder, 1996, 162-197.

۵. عربی نویسی در میان عالمان اولیه قرائیم رواج نداشته و کسانی چون بنیامین نهاوندی (میانه قرن سوم) و دانیال قومسی (اواخر قرن سوم) تعصب و اصرار خاصی به بیان و نگارش آثار به زبان عبری داشته‌اند، اما این دیدگاه به سرعت در میان قرائیم تغییر کرده است (نک: قرقسانی، ۳ / ۶۴۵-۶۵۶؛ Khan, 1992, 157-176).

منابع قرائیمی که در دست است، می‌توان تصویر تا حدی روشنی از شکل‌گیری و برخی تحولات این فرقه به دست آورد. از میان منابع مهم قرائیمی که به زبان عربی تألیف شده، کتاب *الانوار و المراقب* ابویوسف یعقوب بن اسحاق بن سموئیل قرقسانی (زنده در ۳۲۵) منبع بسیار بارزنی است. هرچند درباره خود قرقسانی مطالب چندانی دانسته نیست<sup>۱</sup> اما اثر وی که بخش مهمی از آموزه‌های سنت قرائیمی متقدم را در اختیار داشته و از آنها نقل قول‌های فراوانی آورده، منبع بی بدیلی برای مطالعات قرائیمی است.<sup>۲</sup>

### خاستگاه و پیشینه قرائیم

دانسته‌های ما درباره اقلیت‌های دینی در ایران سده‌های میانه اندک است و با آن‌که شواهد فراوانی از وجود اقلیت‌های دینی در بخش‌های مختلف ایران در دست است، اطلاع روشنی درباره آنها نداریم. بی‌علاقگی مورخان و ملل و نحل‌نویسان مسلمان سده‌های میانه برای دستیابی به اطلاعات دقیق درباره این گروه‌ها و عدم میراث مکتوب و یا عدم انتقال میراث مکتوب جماعت‌های مذکور، به نحو بارزی پژوهشگر تاریخ سده‌های میانه را در بررسی

← همان‌گونه که آدانگ نشان داده، آنچه عالمان مسلمان سده‌های میانه به عنوان مطالبی از کتاب مقدس نقل کرده‌اند، چندان دقیق نیست، چنان‌که مطالب مندرج درباره قرائیم در متون ملل و نحل‌نگاری نیز عمدتاً مطالبی تکراری و مشوش است (نک: Adang, 1996; idem, 2003, 179-197). بی‌دقتی نویسندگان مسلمان سده‌های میانه درباره دیگر فرق به نحو مشخص توسط جواد علی درباره مطالبی که ابن ندیم درباره یهودیان آورده، مورد بحث قرار گرفته است (نک: جواد علی، ۸۴-۱۱۳).

1. See: Nemoy, 1952, 42-68.

۲. قرقسانی در بخش یهودیت خود، از آثار داود بن مروان رقی مشهور به مقمص بهره برده است. یهودا هدیسی، (Judah Hadassē) عالم یهودی قرن ششم، مقدمه قرقسانی را در کتابش *اشکول هاگوفر* (*Eshkol ha-zofar*) به عبری ترجمه کرده است. (Erder, p.163) قرقسانی کتاب دیگری به نام *الریاض و الحدائق* دارد که شرحی بر مطالب غیر شرعی اسفار خمه است و نگارش آن را در ۳۲۶ به پایان رسانده است. درباره سنت ربانی یهودیت نیز دانسته که برخی از آنها با اندیشه‌های معتزلی آشنایی داشته‌اند. از جمله این افراد ساموئل بن حفنی گائون سورا (د ۴۰۴) را باید نام برد که با ابوعبدالله بصری (د ۳۶۹) تماس مستقیم و کتاب *الاصول* یا شرح آن نوشته ابن خلاد آشنایی داشته است. ابویعقوب یوسف بن بصیر در کتاب *المحتوی* اشاره کرده که حفنی، کتاب *الاصول* (یا شرح *الاصول* را نزد شخصی به نام ابن تیهان خوانده است. حفنی هم‌چنین در کتاب *نسخ الشرع* خود به تفصیل دیدگاه‌های ابن خلاد در خصوص نسخ شریعت را پاسخ داده و به کرات از کتاب *الاصول* یا شرح *الاصول* ابن خلاد مطالبی را نقل کرده است (نک: Sklare, 1996, 53 no.48, 57, no.62).

اقلیت‌های دینی با مشکل روبه‌رو می‌کند. یکی از فرقه‌های کهن در یهودیت، فرقه قرائیم است که زادگاه و تکوین آن در ایران بوده است. قرائیم که معرب آن قرائین می‌باشد، یکی از کهن‌ترین انشعابات رخ داده در سنت یهودی است که تا روزگار کنونی نیز به صورت گروهی متمایز در سنت یهودی باقی مانده است، هر چند سنت رسمی یهودی که به ربانیان شهرت دارد، عموماً تمایلی ندارد تا آنها را به رسمیت بشناسد و از همین رو از قرائیم به عنوان جریانی بدعت‌گذار در سنت یهودی یاد می‌کند.<sup>۱</sup> البته در این میان نباید فراموش کرد که تشتت فراوانی در میان قرائیم بوده، به گونه‌ای که رهبران نخستین آن، با یکدیگر سر نفاذ و دشمنی داشته‌اند و اساساً به همین دلیل بخش اعظمی از میراث اولیه قرائیم از میان رفته است.<sup>۲</sup> گزارش‌های موجود دربارهٔ آنها نیز متأخر است و همین گونه متأخر بودن گزارش‌های تاریخی در خصوص قرائیم و تشتت فراوان در میان خود سنت قرائیمی از مهم‌ترین دشواری‌های تحقیق درباره این فرقه است.<sup>۳</sup> نام این فرقه ظاهراً از واژه میقرا که نام دیگر تورات است، از ریشه «قرأ» اخذ شده باشد و در مآخذ عربی نام این فرقه به صورت قرائیون آمده است.<sup>۴</sup>

1. Gil, 2004, 260.

۲. تشتت مذکور تا قرن چهارم نیز در میان قرائیم بوده و قرقسانی (۵۹/۱-۶۴) به تفصیل از این اختلافات سخن گفته است. اختلافات مذکور با تکفیر و اهانت به یکدیگر همراه بوده که امر اخیر مورد اعتراض قرقسانی قرار گرفته و آن را از عالمان قرائیمی ناپسند و غیر قابل قبول دانسته است (نک: قرقسانی، ۵/۱، ۵۶، ۱۳-۵۷). در نقل اخیر قرقسانی اشاره کرده که اسماعیل عکبری، در آثارش به عانان دشنام می‌داده و او را به خیریت و نادانی نسبت می‌داده است (... و هو مع ذلک یظهر فی کتبه ثلب عانان و ینسبه الی الحماریة و الحماقة...).

۳. نویسندگان ملل و فرق نگار اسلامی همچون ابوالعباس ایرانشهری و ابوعیسی محمد بن هارون وراق، آثاری در خصوص یهودیت و مسیحیت تألیف کرده‌اند که قطعاتی از آنها در منابع بعدی باقی مانده که کهن‌ترین اطلاع و دقیق‌ترین مطالب در خصوص یهودیت و مسیحیت در سنت اسلامی است. ابوریحان محمد بن احمد بیرونی (د ۴۴۰) در تحقیق *ماللهند* (۴-۵)، دانش ایرانشهری در خصوص فرق غیر اسلامی را ستوده و در کتاب دیگر خود *الآثار الباقیه* نیز مطالبی از آن نقل کرده است. همچنین (نک: مینوی، ۱۳۳-۱۳۴؛ Adang, 1996, 92, no.102). مطالب ابوعیسی وراق نیز در ضمن کتاب *المعتمد رکن الدین ملاحمی* (د ۵۳۶) که نسخه‌ای از کتاب او را در اختیار داشته، آمده است.

۴. نضر، ۳/ ۳۴.

مآخذ کهن درباره این گروه یهودی بسیار اندک است و جز اطلاعاتی که در ضمن کتاب *الانوار و المراقب* قرقسانی (د پس از ۳۲۶) آمده است<sup>۱</sup>، دیگر دانسته‌های ما درباره قرائیم محدود به اطلاعات پراکنده‌ای است که بخشی از آنها در محدوده سنت قرائیم متاخر شکل گرفته‌اند؛ به طور خاص باید از کتاب الیشاع بن ابراهام<sup>۲</sup> قرائی که در قرن ششم می‌زیسته<sup>۳</sup> و زندگی‌نامه مفصلی از عانان، پیشوای قرائیم نقل کرده و کتاب‌های ملل و نحل‌نگاری اسلامی که گاه از متون قرائیمی یا افراد قرائیمی مطالبی نقل کرده‌اند، نام برد. به دلیل آن‌که قرائیم آثار خود را به عربی و البته با حروف عبری کتابت می‌کرده‌اند، امکان آشنایی با آثار آنها برای عالمان مسلمان تا حدی امکان‌پذیر نبوده، جز آن‌که اثری به خط عربی توسط آنها تألیف شده باشد.<sup>۴</sup> تنها استثنای مهم در این میان، ابوریحان بیرونی (د ۴۴۰) است که با زبان عبری نیز آشنایی داشت. وی اطلاعاتی درباره قرائیم و بنیان‌گذار آنها آورده که به احتمال قوی باید برگرفته از اثری قرائیمی باشد؛ هرچند از گفته‌های بیرونی در *تحقیق ماللهند* پیداست که وی از کتاب ابوالعباس ایرانشهری که بحث دقیقی درباره یهودیت و مسیحیت داشته، بهره برده است؛ این احتمال را نیز می‌توان مطرح کرد که ایرانشهری به منبعی قرائیمی دسترسی داشته و مطالبی

۱. قرقسانی، ۱۳/۱. همچنین نک: Gil, 2004, 260-269.

2. Elijah ben Abraham.

3. Nemoy, 1952, 4.

۴. مورخان و ملل و نحل‌نگاران مسلمان سده‌های میانه اطلاعات اندکی درباره قرائیم داشته‌اند و بیشتر در حد کلیاتی چون رویت هلال و تفاوت داشتن تقویم قرائیم با سنت رسمی یهود و یا مخالفت با تلمود و عقیده آنها در تنزیه و عدل باری تعالی مورد اشاره آنها قرار گرفته است (برای نمونه نک: مسعودی، ۱۱۲-۱۱۳، ۲۱۹؛ مقدسی، ۳۴/۴؛ ابن حزم، ۱/۱۷۸؛ مقریزی، ۴/۹۴۴، ۲/۹۵۴-۹۵۵. مقریزی به منابع خود در نقل اخبار قرائیم اشاره کرده جز آنکه در یک مورد وی مطالب مفصلی (۴/قسم ۲/۹۶۱-۹۶۳) درباره یهودیان را به طور کامل از مطهر بن طاهر مقدسی (۳۴۳-۴۱) بدون هیچ اشاره‌ای نقل کرده است. و گاه در برخی از نگاشته‌های متکلمان و یا ملل و نحل‌نگاران اطلاعات تفصیلی‌تری از قرائیم می‌توان یافت. در موارد نیز به نظر می‌رسد که گزارش ارایه شده مورخان مسلمان، مبتنی بر باورهای قرائیم در روزگار خودشان باشد. گزارش مقریزی درباره عانان بن داود که مشتمل بر برخی مطالب تازه می‌باشد، به احتمال قوی نمونه‌ای از این دست گزارش‌ها باشد که مقریزی (مقریزی، ۴/قسم ۲/۹۵۵) احتمالاً آنها را یا از منابع مکتوب قرائیمی یا سنت شفاهی آنها اخذ کرده است.

که بیرونی در *الآثار الباقیه* آورده در اصل، هر چند تصریحی نکرده، از همان کتاب ایرانشهری اخذ شده باشد.<sup>۱</sup>

### عنان و نقش وی در تکوین اندیشه قرائیم

در گزارش‌های موجود در سنت قرائیمی و سنت ربانی ریشه افکار قرائیم عموماً به عنان بن داود رسانده می‌شود، هرچند این نکته نیز مورد تأکید قرار گرفته که اندیشه‌های عنان دارای پیشینه‌هایی در سنت یهودیت بوده است؛ در حالی که عالمان قرائیم از استناد به مطلب اخیر قصد اصیل بودن سنت فکری خود در تاریخ یهود را دارند، عالمان ربانی تمایل دارند تا اندیشه‌های عنان را بدعتی بدانند که همواره در سنت رسمی یهودیت با آن مخالفت شده است.<sup>۲</sup> در روزگار عنان بن داود منازعاتی بر سر تلمود (سنت شفاهی تفاسیر بر تورات) در جریان بود و عنان جزو گروهی بود که با رسمیت داشتن تلمود و سنت شفاهی تورات مخالفت جدی داشت. وی توانست برخی از یهودیان را به سمت اندیشه خود جلب کند که آنها را می‌توان قرائیم نخستین نامید.

اطلاعات تاریخی چندانی درباره عنان در دست نیست. وی که معاصر ابوجعفر منصور بود<sup>۳</sup>، ظاهراً به واسطه اندیشه‌های خود با فشار یهودیان به زندان افتاد. قرقسانی<sup>۴</sup> حتی از تلاش یهودیان برای قتل وی سخن گفته است. مقریزی از آمدن عنان به بغداد از شرق سخن گفته و اشاره نموده عنان که از نسل داود بود، با خود نسخه‌ای از *میشنا* همراه داشته که مدعی بوده

۱. بیرونی، *الآثار الباقیه*، ۶۷-۶۸، ۳۵۲. برای بحثی از منابع و اهمیت مطالب بیرونی درباره یهود همچنین (نک: Adang, 1996, 54-59, 88-94, 131-133, 157-159, 215-216, 235-237).

۲. برای گزارش‌های در دست درباره عنان نک: قرقسانی، ۱۳/۱، ۴۳، ۵۳-۵۴؛ Nemoy, 1952, 3-6.

۳. قرقسانی، ۱۳/۱؛ بیرونی، *الآثار*، ۶۷.

۴. قرقسانی، ۱۳/۱، ۴۳. در نقل اخیر، قرقسانی گفته که بعضی از قرائیم معتقدند که عیسی مرد صالحی بوده و آنچه بر سر او از سوی ربانیان رفته، همانی است که آنها در صدد اجرا کردن آن درباره عنان بوده‌اند (.. و اما قوم من القرائیین فانه یزعمون ان یسوع کان رجلاً صالحاً و انما کان سبيله سبیل ... و عنان و غیرهما فقصده الربانیین حتی قتلوه کما قد طلبوا ایضاً قتل عنان فلم یتهیأ ذلک لهم ...). قرقسانی (۱/ ۴۲-۴۷) مطالب مربوط به یسوع (عیسی) را از قول داود بن مروان مَقَمَص نقل کرده و خود درباره شرح حال مقمص توضیحاتی است. (نک: قرقسانی، ۱/ ۴۴).

آن را از روی نسخه مکتوب به خط موسی (ع)، استنساخ کرده است. اشاره مقریزی دلالت بر این دارد که عانان از یهودیان ایرانی بوده است<sup>۱</sup> و به احتمال قوی با اندیشه‌های برخی عالمان یهودی ایرانی همچون ابوعلی اصفهانی که تقریباً همزمان با عانان می‌زیسته و در اصفهان قیام کرده، آشنایی داشته و به دلیل برخی شباهت‌ها میان تعالیم عانان و ابوعلی اصفهانی، شاید از آنها تأثیر نیز پذیرفته باشد.<sup>۲</sup> ابوعلی اصفهانی در ایام عبدالملک بن مروان می‌زیسته است. پیروان او گمان داشته‌اند که ابوعلی اُمی است اما با این حال کتاب‌ها و نوشته‌هایی داشته است که آنها را شاهی بر ادعای نبوت خود ارائه کرده است. از پیروان او، کسانی در قرن چهارم در دمشق با عنوان عیسویه وجود داشته‌اند. ابوعلی در عین پذیرش نبوت مسیح و پیامبر اسلام، معتقد بود که آنها فقط بر اقوام خود مبعوث شده بوده‌اند.<sup>۳</sup>

احتمالاً نخستین منازعات عانان با سنت رسمی یهودیان درباره نظرات خاص وی در تغییر دادن اعیاد یهودی بر اساس نظر به رؤیت هلال برای تعیین آغاز هر ماه باشد، در حالی که سنت رسمی به شیوه‌ای تقویمی آغاز ماه‌ها را تعیین می‌کرد. دامنه منازعه زمانی حادث شد که عانان عقیده به بی‌اعتباری سنت شفاهی مندرج در *میشنا* و *تلمود* را بیان کرد که باعث شد تا جامعه رسمی یهودیت وی و هوادانش را مرتد اعلام کند. مطلب اخیر را نظرونای گائون<sup>۴</sup> که ریاست آکادمی سورا<sup>۵</sup> از مراکز علمی مهم یهود در قرن سوم از سال‌های ۲۳۹ تا ۲۴۴ برعهده داشته، بیان کرده است.<sup>۶</sup>

۱. مقریزی، ۴/ قسم دوم/ ۹۵۲، ۹۵۵.

۲. قندیل، ۱۸۱ از تأثیرپذیری عانان از ابوعلی سخن گفته است، اما این مطلب چندان قطعی نیست.

۳. قرقسانی در خصوص علت اینکه رابانان برای چه چندان با پیروان عیسویه خصومت نمی‌ورزیده‌اند، به دو نکته اشاره کرده است. نخست تکریم بیش از حد ابوعلی اصفهانی از رابانان بوده و دیگر آنکه وی در اعیاد یهودی و رویت هلال تغییری ایجاد نکرده بود و تنها در برخی مسائل شرعی با رابانان مخالفت ورزیده بود. برای توضیح بیشتر نک: قرقسانی، ۱/ ۱۲، ۵۱-۵۲. قرقسانی در بخش دیگری از کتاب *الانوار* (۲/ ۲۸۳-۲۹۲) به تفصیل به رد ادعاهای ابوعلی پرداخته و عقیده او در پذیرش نبوت پیامبر اسلام را با عقیده به نبوت خودش نادرست دانسته و به عقیده مسلمانان در خاتم الانبیاء بودن پیامبر استناد کرده است. قرقسانی (۲/ ۲۸۷) اشاره کرده که گروهی از یهودیان قرائمی تستری، با نظر ابوعلی اصفهانی در این عقیده که تعبد به تورات تنها بر بنی اسرائیل واجب است نه بر دیگر امم، هم عقیده هستند.

4. Na'Or Ûnai ben Hillai.

5. Yeshivot.

۶. نصیر، ۲/ ۳۸؛ Gill, 2003, 74, 76; Nemoy, 1952, 3;

مسأله دیگری که به عنوان یکی از دلایل انشقاق عانان از سنت رسمی یهود ذکر شده است، احتمالاً تصدی مقام ریاست یهودیان (رش گالوتا/ رأس الجالوت) باشد. عانان که از اعقاب داود نبی بوده است، شایستگی علمی ریاست رش گالوتا را داشت، اما رهبران یهودی به دلیل خصومتی که با وی داشتند، نقشه قتل او را کشیده، برادرش حنانيا را به جای وی به این سمت انتخاب کردند.<sup>۱</sup> نموی درباره اصالت گزارش مذکور و برخی جزئیات آن تردید کرده و آن را بیش از آن که گزارش واقعی درباره عانان بداند، تلاش جریان رسمی یهودیت در نسبت دادن به تمایلات دنیوی عانان دانسته است.<sup>۲</sup> اما این نظر از آنجا که آن را عالمان قرائیمی نیز نقل کرده‌اند، شاید بی‌وجه نبوده باشد. بیرونی درباره شجره نسب عانان، اطلاع جالبی آورده و صورت شجره‌نامه او تا حضرت داود(ع) را نقل کرده که بی‌هیچ تردیدی برگرفته از متنی قرائیمی است.<sup>۳</sup>

قرقسانی تأکید کرده که عانان به اقوال سنت یهودی آشنایی کاملی داشته و در دانش او تردیدی در میان یهودیان وجود نداشته است.<sup>۴</sup> اثر مهم شناخته شده عانان کتابی با عنوان *سفر هامیصووت*<sup>۵</sup> (کتاب الفرائض) است که ظاهراً در اصل به زبان آرامی بوده<sup>۶</sup> و تنها قطعاتی از آن آن باقی‌مانده<sup>۷</sup> و نشانگر تأثیرپذیری عانان از قیاس - متداول در فقه حنفی - است.<sup>۱</sup> از عقاید

1. Nemoy, 1952, 6;

نتصر، ۳۸-۳۹ / ۲. نیز بیرونی، *الأثار الباقیه*، ۶۷ که گفته از نظر یهودیان تنها فردی که از اعقاب داود نبی بوده و ویژگی‌های خاصی از نظر صورت بدنی داشته، شایسته تصدی منصب مذکور بوده است. درباره تبار عانان که از خاندان بستانی و عهده‌دار ریاست دنیوی یهودیان عراق بوده‌اند، (نک: Gil, 2003, 75-76).

2. Nemoy, 1952, 6-7. See also Gill, 2003, 77-78.

برای گزارش‌های دیگر که ظهور قرائیم را معلول شرایط اجتماعی و اقتصادی می‌داند (نک: دقیقیان، ۲۹۵-۲۹۶؛ Nemoy, 1978, 129-145).

۳. بیرونی، *الأثار الباقیه*، ۶۷-۶۸.

۴. قرقسانی، ۱ / ۱۳.

5. *Sefer ha-miÖw!zt*.

۶. نک: قرقسانی، ۱ / ۱۳؛ دقیقیان، ۲۹۸. حی بن نحشون (گائون سورا در سال‌های ۸۸۶-۸۹۶م) و پدرش، کتاب عانان را به عبری ترجمه کرده بودند تا دریابند چه تفاوتی میان تعالیم او و سنت ربانی وجود دارد. قرقسانی، ۱ / ۱۳. همچنین نک: Gil, 2003, 80-81.

7. Nemoy, 1952, 11-12.

خاص عانان که مورد توجه مسلمانان بوده است، عقیده او در به رسمیت شناختن نبوت پیامبر اسلام است، جز آن که عانان معتقد بوده که پیامبر اسلام تنها بر اعراب مبعوث شده و تورات نسخ نشده و کتابی برای تمام امت‌ها است.<sup>۲</sup>

پیروان عانان هم‌چنین نظرات خاصی درباره اجماع داشته‌اند که قرقسانی شرح تفصیلی آن و نظرات مختلف دیگر گروه‌های قرائیمی را آورده است.<sup>۳</sup> قرقسانی مجملی از آراء خاص و منفرد عانان و در مواردی برخی مسائل فقهی یهودی را بر اساس آنچه عانان آورده به تفصیل نقل کرده است.<sup>۴</sup> قرقسانی هم‌چنین از عقاید خاص عانان، عقیده به تناسخ را به او نسبت داده و گفته که عانان درباره این موضوع کتابی نیز تألیف کرده و نظرات او به گونه‌ای دال بر پذیرش تناسخ بوده است.<sup>۵</sup> ظاهراً بحث مفصل قرقسانی در رد تناسخ، در اصل شاید مبتنی بر مطالب مندرج در کتاب عانان بوده باشد.<sup>۶</sup> البته قرقسانی به گونه‌ای مبهم با عنوان «در رد برخی از عانانیه که قائل به تناسخ هستند، یا آنچه از برهان که برخی از موحدان درباره تناسخ به آن تکیه می‌ورزند»، به آن اشاره کرده است.<sup>۷</sup> هر چند نموی در این مسأله تردید کرده است.<sup>۸</sup>

---

عانان کتاب دیگری به نام *فندکه* نیز داشته که گیل آن را تلخیصی از سفر *هامیصوت* دانسته است (برای بخش‌های یافت شده از آثار عانان و مشخصات نشر آنها نک: Gil, 2003, p.80. برای فهرست مطالب باقی مانده از کتاب سفر *هامیصوت* نک: Gil, 2003, 79-80).

۱. نک: قرقسانی، ۱/ ۷۹. یکی از منابع معتبر کهن که برخی آراء فقهی - تفسیری عانان را نقل کرده، قرقسانی است. هم‌چنین نک: Gil. 2003, 78-79. برای بحث تفصیلی از مسئله قیاس و ادله شرعی قیاس در میان قرائیم نک: قرقسانی، ۱/ ۱۰۱-۱۱۱.

۲. مقریزی، ۴/ قسم ۲/ ۹۵۵. مسئله نسخ تورات یکی از مجادلات دراز دامن میان متکلمان مسلمان و یهودی است. ابوالحسین بصری (د ۴۳۶) در کتاب *غرر الادلّه* به تفصیل به مسئله نسخ تورات پرداخته که این بخش‌ها را عالم امامی سدید الدین محمود حمصی رازی در کتاب *المنقذ من التقليد* نقل کرده که اشمیت که تصحیح دقیقی از این بخش‌ها آورده است (نک: Schmidtke, 2008, 559-80).

۳. قرقسانی، ج ۱، ص ۱۴۱-۱۴۹.

۴. قرقسانی، ۱/ ۵۳-۵۴.

۵. همو، ۱/ ۵۴.

۶. همو، ۲/ ۳۰۷-۳۱۸.

۷. قرقسانی، ۲/ ۳۰۷.

### قرائیم پس از عانان

درباره جامعه قرائیم پس از عانان، تنها اطلاعات پراکنده‌ای در دست است. این اطلاعات منحصر است به اشاره نام برخی از چهره‌های شاخص قرائیمی؛ مانند اسماعیل عکبری<sup>۱</sup>، بنیامین بن مُشه (موسی) نهاوندی که در نیمه اول قرن سوم حیات داشته<sup>۲</sup>، موسی زعفرانی مشهور به ابوعمران تفلیسی که اهل بغداد بوده و بعدها به تفلیس مهاجرت کرده و در همانجا ساکن شده<sup>۳</sup>، ملک رملی، میشویه عکبری<sup>۴</sup> و دانیال بن مشه دامغانی معروف به قومسی<sup>۵</sup> که قرقسانی قرقسانی فرد مذکور را آخرین فرد شناخته شده سنت قرائیمی در زمانی که کتاب خود را می‌نگاشته، اطلاع و مطالبی در دست است.<sup>۶</sup> به نوشته قرقسانی بنیامین نهاوندی فردی عالم به تورات و قاضی یهودیان بوده است.<sup>۷</sup> نهاوندی نقش مهمی در تدوین و اصلاح برخی اندیشه‌ها و تألیفات عانان داشته که همین به احتمال قوی از شدت و افراط برخی از افکار وی در اختلاف با سنت رسمی یهودی کاسته است. کما این‌که بر خلاف عانان درباره راه رفتن در روز شنبه (سَبَت) بر خلاف عانان چندان سختگیری نمی‌کرده و دور شدن از منزل را جایز می‌دانسته است.<sup>۸</sup> وی کتابی به نام *سَفر هادینیم* (کتاب شریعت) نگاشته که منبع اصلی قرائیم در بیان احکام شرعی بوده است که با عنوان *مَسَّات بنیامین* منتشر شده است.<sup>۹</sup> وی که آثار خود را به عبری نگاشته<sup>۱۰</sup> اصرار و اعتقاد داشته که برای یهودیان جایز نیست که در میان خود به جز عبری به زبان دیگری سخن بگویند.<sup>۱۱</sup>

۱. درباره او که معاصر با معتصم عباسی بوده نک: قرقسانی، ۱۳/۱، ۵۶-۵۷.

۲. برای برخی عقاید او نک: قرقسانی، ۱۳/۱، ۵۵-۵۶.

۳. درباره او و برخی از عقایدش نک: قرقسانی، ۱۳-۱۴، ۵۷؛ دقیقان، ۲۹۸-۲۹۹. در خصوص یهودیان عراق نک: جواد علی، ۱۳۸۲/۱۵۶-۱۵۸.

۴. درباره دو فرد مذکور نک: قرقسانی، ۱۴/۱، ۵۷-۵۸.

۵. درباره او و برخی آراء خاص وی نک: قرقسانی، ۱۴/۱، ۵۸-۵۹.

۶. قرقسانی، ۱۴/۱.

۷. قرقسانی، ۱۳/۱.

۸. نتصر، ۴۱/۲.

۹. نتصر، ۴۴/۲. برای قطعاتی از آن نک: Nemoy, 1952, 23-29.

10. Nemoy, 1952, 21-22.

۱۱. قرقسانی، ۳/۶۴۵-۶۴۶؛ Khan, 1992, 157.

بخش‌هایی از اثر وی با نام سفر هامیصوت<sup>۱</sup> نیز باقی مانده که نموی منتخباتی از آن را نقل کرده است.<sup>۲</sup> وی تفاسیری بر کتب تورات، اشعیا، غزل غزل‌ها، جامعه و دانیال نگاشته که تفاسیر وی در اختیار عالم یهودی اندلسی ابراهام ابن عزرا (۴۸۲-۵۶۰) بوده و او آنها را ستوده است.<sup>۳</sup>

پس از نه‌اوندی، دانیال بن مُشه قومی مهم‌ترین چهره قرائیمی است که در دامغان به دنیا آمد و تا سال ۲۶۲ در ایران بوده است، چرا که در بخشی از تفسیر باقی‌مانده از او بر کتاب *دانیال* اشاره‌ای به نبرد میان صفاریان و دیگر حکام محلی شده است. وی در فاصله سال‌های ۲۶۷ تا ۲۹۸ به بیت المقدس رفته و احتمالاً در همانجا درگذشته باشد.<sup>۴</sup> مهاجرت قرائیم به بیت المقدس به احتمال قوی پس از سفر دانیال قومی به آنجا، فزونی گرفته باشد. وی نظر مساعدی به تعالیم نه‌اوندی داشت و در موارد فراوانی با عانان اختلاف نظر داشت و با آن‌که در برخی آثارش به ستایش فراوان از عانان پرداخته بود، در شمار دیگری از آثارش از وی به بدی یاد کرده است؛ قرقسانی این شیوه قومی را نکوهیده است که این خود تشنت فراوان در میان قرائیم را نشان می‌دهد.<sup>۵</sup> قومی دیدگاه‌های عقل‌گرای افراطی داشت و نصوص تورات را بر اساس مسائل عقلانی تفسیر می‌کرد و دیدگاهش دائماً در حال تغییر بود و به اصحاب و پیروان خود نگاشته بود که به تحولات نظرات وی توجه داشته باشند.<sup>۶</sup> وی در مسأله رؤیت هلال قائل به آن بود که درباره حلول ماه می‌توان نظر مسلمان را پذیرفت.<sup>۷</sup> افراط‌گرایی وی در عقل‌گرایی

1. Nemoy, 1952, 22.

2. Nemoy, 1952, 23-25.

۳. نتصر، ۴۴/۲.

۴. نتصر، ۴۵/۲.

۵. قرقسانی، ۵/۱.

۶. قرقسانی (۱/ ۴-۵) در اشاره به خصلت تغییرات فراوان در نظرات قومی نوشته است: «و لم أر أهدأ من منتحلی النظر أنصح لنفسه من دانیال القومی و لا من يعطی للنظر حقه و یوفیه ما یجب له مثله و ذلک ان کل ما أظهره له النظر و ساقه الیه البحث و أوجبه علیه الحجة انتقل الیه و اتخذه و ایضا فانه یکتب الی أصحابه الذین قد نسخوا کتبه یعرفهم ما قد ظهر له مما هو خلاف لما کان دوّنه فی کتبه من قبل و یأمرهم بتدوین ذلک فی کتبه..» درباره دیدگاه‌های عقل‌گرایی افراطی قرائیم (نک: دقیقیان، ۲۹۷).

۷. نتصر، ۴۷/۲. برای نمونه‌هایی از مواعظ قومی نک: نتصر، ۵۰-۵۲، ۵۳-۵۴. وثاقت موعظه نسبت داده شده شده به قومی محل تردید است. نک: Nemoy, 1952, 34-39.

که ظاهراً متأثر از معتزله بود، تا به آنجا رسید که وی با انکار وجود فرشتگان معتقد شده بود که مراد تورات از فرشتگان همان نیروهای طبیعی است؛<sup>۱</sup> پیش از وی بنیامین نهاوندی نیز نظرات خاصی درباره فرشتگان نقل کرده بود که قرقسانی آنها را به نقل از آثار او و شنیده‌هایش از شاگردان او گزارش و رد کرده است.<sup>۲</sup> تنها اثر ظاهراً برجامانده از وی تفسیری بر دوازده کتاب انبیاء عهد عتیق است. تفسیر وی بر تورات تا قرن یازدهم هجری در دست بوده و عالم یهودی یوسف سلومون دلمدیگو نسخه‌ای از آن را در مصر به دست آورده است و اکنون تنها قطعاتی از این تفسیر در گنیزه/ جنیزه قاهره باقی مانده است.<sup>۳</sup> نموی نمونه‌ای از آثار وی را آورده است.<sup>۴</sup> وی در مسأله تنزیه باری و تفسیر عبارت‌های تشبیهی تورات، دیدگاه‌های تنزیهی داشته و با هرگونه تفسیر تشبیهی از عبارت‌های تورات مخالفت جدی داشته است.<sup>۵</sup>

در میان قرائیم عراق، بی‌گمان ابویوسف یعقوب بن اسحاق بن سموئیل قرقسانی (زنده در ۳۲۶) همان‌گونه که نموی بیان داشته، برجسته‌ترین عالم قرائیمی نیمه نخست قرن چهارم هجری است که بر اساس شهرتش می‌دانیم در قرقسیا زندگی می‌کرده است. از وی آثار چندی باقی مانده که اهمیت بسیار فراوانی برای مطالعات قرائیمی دارد. این آثار نشانگر آشنایی دقیق قرقسانی با سنت یهودی، قرائیمی و حتی اسلام و مسیحیت است. بر اساس مطالبی که وی در کتاب *الانوار و المراقب* آورده، مسافرت‌های فراوانی داشته و با بسیاری از چهره‌های برجسته جامعه یهود روزگار خود حتی با عالمان سنت ربانی چون یعقوب بن افرائیم شامی - رهبر ربانیان شام- و کسان دیگری از بزرگان هم‌عصر خود، رابطه داشته است. آثار او که به زبان عربی نگاشته شده، بعدها در سنت قرائیمی بیزانس که عصر ترجمه سنت میراث عربی قرائیم به عبری بوده، از توجه به دور ماند، هر چند متن عربی آنها باقی مانده است. کتاب اصلی وی *الریاض و الحدائق*، که در ۳۲۶ نگارش یافته مشتمل بر شرحی مفصل از اجزای غیر شرعی اسفار خمسه (Pentateuch) است در حالی که کتاب *الانوار و المراقب* (تألیف در ۳۲۵)

۱. برای تفصیل نظر وی نک: قرقسانی، ۲/ ۳۲۸-۳۳۰. قرقسانی تصریح کرده که آثار قومسی را در اختیار داشته و مطالبی که در خصوص انکار ملائکه به قومسی نسبت داده شده را بر اساس آنچه که قومسی در آثارش آورده، مورد بحث قرار داده است.

۲. قرقسانی، ۲/ ۳۱۹-۳۲۶.

۳. نتصر، ۲/ ۴۸.

4. Nemoj, 1952, 31-37.

۵. برای برخی آراء و نظرات وی نک: نتصر، ۲/ ۴۹-۵۴.

مشمول بر شرح مطالب شرعی و حقوقی اسفار خمسه است. قرقسانی کتاب *الریاض* را چهار سالی پس از آنکه سعدیا بن یوسف فیومی (د ۳۳۰) عالم مشهور سنت ربانی کتاب *الامانات* و *الاعتقادات* خود را تألیف کرده بود و در کتاب خود بارها نظرات سعدیا را نقل و رد کرده است. قرقسانی در ضمن کتابهای *الریاض* و *الانوار* به برخی از دیگر آثار خود اشاره کرده اما از تألیفات مذکور نشانی تا به حال به دست نیامده است.<sup>۱</sup> متن *الانوار* به صورت کامل و انتقادی توسط نموی در پنج جلد منتشر شده است (نیویورک، ۱۹۳۹-۱۹۴۳ م).<sup>۲</sup> کتاب *الانوار* و *المراقب* اثری بسیار مهمی برای مطالعه تاریخ قرائیم است و نقل قول‌های مفصل قرقسانی از آثار عالمان قرائیمی پیش از وی که بسیاری از آنها اکنون اثری در دست نیست، بر اهمیت آن افزوده است.<sup>۳</sup>

### یهودیان قرائیمی تستر

در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم خانواده‌ای متمول از یهودیان قرائیم در تستر سکونت داشته‌اند که در مشهورترین آنها اسرائیل بن یعقوب و سه فرزندش به نام‌های یاشار معروف به ابوالفضل سهل، یوسف مشهور به ابویعقوب و سعدیا مشهور به ابوسهل سعید بوده‌اند. این خاندان در حدود ۴۱۱ به فسطاط مهاجرت کردند و بعدها سعیدیا به بیت المقدس رفته و تا سال ۴۴۲ در آنجا اقامت داشته است و نقش مهمی در شکل‌دهی جماعت‌های قرائیمی در آنجا

۱. برای بحث کوتاهی درباره نسخه‌های این دو کتاب نک: Bacher, 1895, 689-690.

قرقسانی (۲۹۲/۲) در ضمن بحث نقد اسلام، اشاره کرده که تفصیل بحث را در کتابی جداگانه آورده است و آنچه که در آنجا ذکر کرده، بخش اندکی از آن است (ان الذی نذکر هاهنا من الرد علیهم طرفهً یسیر بحسب ما یحتمله الموضوع اذ کنا قد ألفنا فی ذلک کتاباً مجرداً...). بحث از انتقادات و دیدگاه‌های متکلمان قرائیمی در نقد اسلام از حوزه مقاله حاضر خارج است، با این حال برای بحثی در این خصوص (نک: Ben-Shammai, 1984, 3-40).  
۲. اهمیت آثار قرقسانی در میان محققان قرائیم پژوه از اواخر قرن نوزدهم شناخته شده بوده و به صورت پراکنده بخشهایی از برخی آثار او نیز منتشر شده و گاه مبانی مطالعات بوده است. اطلاعات تفصیلی قرقسانی درباره تاریخ و فرق یهودی و مسیحی از موضوعات مورد توجه بوده است. برای توضیحات بیشتر (نک: Bacher, 1895, 687-710).

۳. متکلمان یهودی به پاسخ دهی ایرادات متکلمان مسیحی به آنها، توجه فراوانی داشته‌اند و قرقسانی نیز در چند مورد به تفصیل دیدگاه‌های مسیحیان در خصوص یهودیت را نقد کرده و از منابع مهمی چون نوشته‌های داود بن مروان مشهور به مقمص یهودی گرویده به مسیحیت و دوباره یهودی شده، بهره فراوانی برده است. برای بحثی کلی درباره منازعات کلامی میان متکلمان مسیحی و یهودی در سده‌های میانه (نک: Lasler, 1977).

داشته است.<sup>۱</sup> در مصر، دو تن از فرزندان یاشار به نام‌های حسد که ابونصر فضل و ابراهام مشهور به ابوسعید ابراهیم شناخته می‌شدند، شهرت فراوانی به دست آوردند.<sup>۲</sup> ثروت هنگفت این خاندان مورد اشاره مقریزی نیز قرار گرفته است.<sup>۳</sup> شهرت خاندان تستری با دست‌یابی فضل بن سهل تستری / حسد بن یاشار (۴۴۰د) به وزرات فاطمیان به اوج رسید. ابوعلی سهل بن فضل بن سهل، کتاب مهمی به نام *الایماء الی جوامع التکلیف علماً و عملاً* نگاشته که بخش‌هایی از آن باقی مانده است.<sup>۴</sup> در مقدمه کتاب *الایماء*، فضل بن سهل از نامه‌ای یاد کرده که ابوالحسن عالی بن سلیمان مقدسی به او در خصوص نگارش اثری مختصر در معتقدات قرائیم که همانند کتاب *جَمَل العلم و العمل* سید مرتضی (د ۴۳۶) باشد، نوشته بود.<sup>۵</sup>

از دیگر چهره‌های سرشناس قرائیمی ساکن در بیت المقدس در قرن چهارم هجری می‌باید از یافت بن عالی<sup>۶</sup> (ابوالحسن حسن بن علی بصری) زنده در ۳۹۵ و فرزندش ابوسعید لؤی بن یافت نام برد.<sup>۷</sup>

۱. درباره کنیسه‌های قرائیم در قاهره نک: مقریزی، ۴/ قسم ۲/ ص ۹۴۱. بحث از جامعه قرائیم مصر در عصر فاطمیان از حوصله این مقاله خارج است.
۲. درباره یهودیان قرائیم ساکن در بیت المقدس نک: احمد قندیل، ۲۲۰-۲۲۱. جامعه یهودیان قرائیم در بیت‌المقدس در جریان جنگ‌های صلیبی به آسیایی صغیر مهاجرت کرده‌اند. نک: Ankori, 1959.
۳. درباره خاندان تستری نک: نتصر، ۲/ص ۵۴-۵۷؛ Fischel, 1968, 68-89; Gil, 2004, 269-271, 663-675. نکته جالب توجه درباره خاندان تستری علاقه آنها به آثار ابوالحسنین بصری است. بخشی از کتاب *تصفح الادلته* ابوالحسنین بصری در دست است که آن را عالم قرائیمی ابوالحسن علی بن سلیمان مقدسی (قرن پنجم) که روابط نزدیکی با خاندان تستری داشته، برای سهل بن فضل بن سهل تستری (یاشار بن حسد بن یاشار) که پدرش فضل بن سهل تستری (۴۴۰د) وزارت فاطمیان را برعهده داشته، کتابت کرده است. نک: (2006, 108-142 Schmidtke).
4. Schwarb, 2006, 61\*-105\*.
۵. درباره توجه قرائیم به آثار سید مرتضی و برخی نقل قول‌ها از آثار سید مرتضی در میان میراث قرائیم از جمله بخش‌هایی از یکی از شروح نگاشته شده بر کتاب *جَمَل العلم و العمل* او (نک: Schwarb, 2006, pp.77\*-82\*).
6. Yefet ben Yeli.
۷. برای دیدگاه وی در خصوص مسئله جزء لا یتجزی نک: Ben-Shammai, 1985, 249-254.

یافت بن عالی شرح مفصلی بر کتاب مقدس به عربی نگاشته است<sup>۱</sup> که بخش‌هایی از آن تصحیح و چاپ شده است.<sup>۲</sup> پس از تصرف بیت‌المقدس توسط صلیبیان در سال ۴۹۳، یهودیان قرائیمی مجبور به ترک بیت‌المقدس شدند و حضور مجدد آنها در بیت‌المقدس تنها پس از فتح نهایی شهر توسط صلاح الدین ایوبی (د ۵۸۳) صورت گرفت. با این حال هنوز تا قرن ششم مرکز اصلی قرائیم ایران بوده است. ابن‌میمون در نامه‌ای که احتمالاً در سال ۵۹۷ نگاشته است از یهودیان قرائیم به عنوان ساکنان در شهرهای عجم یاد کرده است<sup>۳</sup> و از حضور یهودیان قرائیم در قرن هشتم و به سال ۷۰۳ در شهر خوی بر اساس انجمنه نسخه‌ای از کتاب دانیال بن مُشیه قومی اطلاع می‌دهد.<sup>۴</sup> ابن حزم از وجود یهودیان قرائیمی در برخی مناطق اندلس سخن گفته است.<sup>۵</sup> از مشهورترین چهره‌های قرائیمی اندلسی، نام مفسر مشهور قرائیمی داود بن ابراهیم فاسی را که کتابی به نام جامع‌الافاظ که معجمی برای تفسیر و شرح مفردات تورات نگاشته، می‌توان نام برد.<sup>۶</sup>

### متکلمان قرائیمی و کلام اسلامی

عالمان قرائیمی در برخی مسائل به وضوح از اندیشه‌های کلامی معتزله اثر پذیرفته‌اند که از جمله این مسائل می‌توان جزء لا یتجزی را نام برد که قرائیم برخلاف متکلمان جریان رسمی یهودیت در سده‌هایی، آن را قبول نداشته‌اند.<sup>۷</sup> نکته بسیار مهم درباره قرائیم تأثیرپذیری آنها از

1. Ben-Shammai, 1985, 249.

۲. درباره او و گزیده‌ای از آثارش نک: Nemoi, 1952, 83-108.

۳. نتصر، ۵۷/۲.

۴. نتصر، ۵۷/۲. در مورد تداوم حضور یهودیان قرائیم در ایران نک: نتصر، ۵۸/۲-۶۱.

۵. ابن حزم، ۱/۱۷۸.

۶. احمد قندیل، ۲۲۱. پس از آن گروه‌هایی از قرائیم به کریمه و روسیه مهاجرت کرده‌اند. اکنون بخش‌هایی از جمعیت‌های قرائیمی در روسیه و بخشی نیز در فلسطین اشغالی سکونت دارند. بخشی از یهودیان قرائیم در مصر، خاصه شهر فسطاط که کنیسه‌ای قرائیمی مهمی نیز در آنجا وجود داشته (ولفنسون، ۱۶-۱۷، پاورقی ۱) و یکی از مناطق مهم قرائیم نشین از سده‌های میانه (عبده قاسم، ۴۸-۵۲) تا میانه قرن بیستم بوده، سکونت داشته‌اند (نک: نتصر، ۶۳/۲).

7. Ben-Shammai, 1985, 243-298.

برای دیدگاه قرائیم دوره مورد بحث در خصوص اسلام نک: Ben-Shammai, 1984, 3-40.

کلام اسلامی و به نحو خاص معتزله<sup>۱</sup> و جریان بسیار مهم بهشمیه و تعالیم قاضی عبدالجبار همدانی (د ۴۱۵) و مکتب جدید اعتزالی ابوالحسین محمد بن علی طیب بصری (د ۴۳۶) است و منازعات میان دو جریان پیش گفته نیز در میان قرائیم در جریان بوده است.<sup>۲</sup> جامعه قرائیم قرن پنجم تفاوت‌هایی با قرائیم اواخر قرن سوم و قرن چهارم داشته است؛ در حالی که کسانی چون دانیل قومسی، سالمون بن یرهام<sup>۳</sup> (سلیمان بن رحیم) و یافث بن عالی خواندن کتاب‌های کتاب‌های کلامی مغایر با سنت یهودی (کلام البرانی/ کتب البرانی) و فلسفه را نهی می‌کردند و حتی سالمون خود وقت و پول صرف کردن برای فراگیری زبان عربی را مورد انتقاد قرار داده بود، جای شگفتی است که خود سالمون بیشترین حجم آثارش را به زبان عربی نگاشته است.<sup>۴</sup> البته جامعه قرائیم بیت‌المقدس خاصه در نیمه دوم قرن پنجم هجری از حیث توجه به زبان عربی و کلام معتزلی به نحو بارزی دگرگون شده بود و شخصیت برجسته‌ای که در این تحول نقش داشته، شخصی است به نام ابویعقوب یوسف البصیر.

متکلم برجسته قرائیمی، ابویعقوب یوسف البصیر (د حدود ۴۳۱) از پیروان سرسخت مکتب بهشمیه و قاضی عبدالجبار است. وی ظاهراً کلام معتزلی بصری را در عراق تعلیم دیده است. او از دست‌یابی و مطالعه برخی آثار ساموئیل بن حُفنی (د ۳۹۱)، رئیس آکادمی سورا و رهبر ربانیان عراق سخن گفته است.<sup>۵</sup> یوسف بصیر دیدگاه ابوالحسین بصری درباره برهان اثبات

۱. ابن میمون، ۱۸۰؛ بوهران، ۳۸۷-۳۸۹؛ Ben-Shammai, 1985, 244; Erder, 1994, 220.

۲. بحث دقیقان (۳۰۱-۳۰۴) که معتزله را تحت تأثیر قرائیم دانسته، اصلی ندارد و مخالف تمام شواهد تاریخی است. همین‌گونه بحث او از قرائیم نیز چندان دقیق نیست و از منابع اصلی بهره نبرده است. مکتب کلامی ابوالحسین بصری در کنار مکتب بهشمیه، در خوارزم در سده‌های ششم و هفتم هجری تداول و پیروانی داشته است. (نک: رحمتی، ۱۳۸۷ش/ ۱۳-۲۸؛ Schmidtke, 2008, 559-580).

3. Salmon ben Jeroham.

4. Sklare, 1995, 249-250.

5. Sklare, 1995, 252, no.12.

برای توجه سنت یهودیان قرائیمی به کتابت و استنساخ نسخه‌های معتزلی، خاصه آثار قاضی عبدالجبار و بخش‌هایی که اکنون در کتابخانه‌های قرائیمی یافت شده و در دست انتشار می‌باشد (درباره بصیر نک: Ben-Shammai, 1985, 254-273; Sklare, 1995, 249-270). همچنین محتمل است که بصیر با خود حفنی نیز دیداری داشته چرا که از دیدن حفنی در بغداد سخن گفته اما تصریح دارد که حفنی چندان تبحری در کلام نداشته است (نک: Sklare, 1995, 257).

اثبات خدا، را مورد نقد قرار داده<sup>۱</sup> و عقیده وی در باب نفی اعراض را با اثبات صانع و همزمان عقیده به قدم جسم را ناسازگار دانسته<sup>۲</sup> که بخشی از آن باقی مانده است.<sup>۳</sup> بصیر به نگارش نقدی دیگر درباره تعالیم ابوالحسین بصری در ضمن پاسخ‌هایی که به پرسش‌های فردی از تنبیس که در آن نیز وی تعالیم ابوالحسین بصری را نقد کرده، اشاره نموده و گفته که معتزلیان ابوالحسین بصری را پس از نگارش کتاب *تصفح الادلّه* به کفر متهم کرده‌اند.<sup>۴</sup> به نوشته بصیر، پس از آن ابوالحسین بصری کتاب دیگری در تبیین نوشته‌های خود نگاشته که متأسفانه بصیر به نام آن اشاره‌ای نکرده است، اما ظاهراً مقصود وی کتاب *غرر الادلّه* باشد، پرداخته است.<sup>۵</sup> بصیر در ادامه متذکر شده که وی نقدی (نقض) درباره کتاب اخیر نگاشته است.<sup>۶</sup> وی همچنین در کتاب *المحتوی* که پیش از ۴۱۲ از نگاش آن فراغت حاصل کرده، و خلاصه‌ای از نظرات کلامیش می‌باشد<sup>۷</sup>، از سه اثر دیگر خود نام برده است که ظاهراً مرتبط با انتقادهای او از مکتب مکتب ابوالحسین بصری باشد.<sup>۸</sup> ابوالفرج فرقان بن اسد (یشوع بن یهوداه) شاگرد و جانشینش در تداوم اندیشه‌های او نقش مهمی داشته است.<sup>۹</sup>

با وجود متکلمان منتقد و مخالف ابوالحسین بصری، دیدگاه‌های وی به سرعت در میان قرائیم طرفدار یافت و پذیرش عقاید وی توسط برخی از چهره‌های بسیار متنفذ خاندان تستری، خاصه سهل بن فضل (یاشار بن حسد) تستری و نوادگانش به رواج عقاید وی در میان قرائیم کمک فراوانی کرد.<sup>۱۰</sup> معاصر با سهل بن فضل که در مصر اقامت داشت، عالم قرائیمی ابوالحسن

۱. ابوالحسین بصری بر خلاف مکتب بهشمیه در بحث از اعراض و جواهر، نظر سنتی «استدلال علی الشاهد بالغائب» را مورد نقد قرار داده که برهان اصلی معتزلیان بهشمیه در اثبات باری تعالی بوده است، درباره براهین اثبات خدا از دیدگاه ابوالحسین بصری (نک: Madelung, 2006, 273-280).

2. Madelung and Schmidtke, 2006, 2-3.

۳. برای متن عربی و ترجمه انگلیسی آن نک: Madelung and Schmidtke, 2006, 13-59; Schmidtke with Madelung, 2007, 277-296.

4. Madelung and Schmidtke, 2006, 37.

5. Madelung and Schmidtke, 2007, 229.

۶. برای بخشی از نقد اخیر نک: Madelung and Schmitke, 2007, 229-276.

7. Geordes Vajda, *Al-kitab al-Muhtawi de Yusuf al-Basir: texte, traduction et commentaire*, ed. D.R. Blumenthal, Leiden, 1985. See also: Sklare, 1995, 251.no.11.

8. Sklare, 1995, 256; Madelung and Schmidtke, 2006, 8-9.

9. Sklare, 1995, 251, no.9.

10. Madelung and Schmidtke, 2006, 9-10.

علی بن سلیمان مقدسی نیز که روابط نزدیکی با سهل بن فضل داشت و نزد او به فراگیری کلام پرداخته بود، در رساله مقدسیات خود به دفاع از عقاید کلامی ابوالحسین بصری پرداخته است.<sup>۱</sup>

یوسف البصیر که توانسته بود جایگاه مهمی در میان قرائیم بیت المقدس به دست آورد، عالمی کثیر التالیف بود که برخی از آنها به صورت کامل و از برخی دیگر، اجزائی در دست است و به دلیل توجه جدی و نقل قول‌هایی که بصیر از عالمان معتزلی آورده اهمیت فراوانی برای مطالعات معتزلی دارد. از مهمترین آثار کلامی او می‌توان به شرح اصول اللباد؛ کتاب الاستدلال بالشاهد علی الغائب، کتاب التمییز و کتاب المحتوی اشاره کرد. بصیر همچنین به عنوان عالمی قرائیمی آثاری در انتقاد از سنت ربانی و دیدگاه‌های محل نزاع قرائیم با آنها نگاشته است که از این دسته آثار او می‌توان به نقض ساموئل راس المشیبه (ردی بر ساموئیل بن حُفنی و نظر او درباره تعیین آخر ماهها بر اساس تقویم که در عشر مسائل بیان کرده) کتاب الرد علی القائل بالاعتدال - موضوعی باز درباره چگونگی تعیین زمان ماهها- الکلام علی السامره و مجادله‌ای علیه اسلام و بحث از مسئله اعجاز قرآن و موضوع نسخ تورات (مسألة علی من ادعا نسخ شریعتنا) که موضوع اصلی مورد بحث و جدل متکلمان یهودی با متکلمان مسلمان بود، اشاره کرد که بخش‌هایی از این آثار او در دست است.<sup>۲</sup> در سنت تشریحی یهودیت یا به عبارت دقیقتر ادبیات هلاخایی، بصیر کتابی به نام الاستبصار فی الفرائض را نگاشته که به دلیل اشمال بر برخی مباحث اصول فقه و عمدتاً متأثر از مباحث اصول فقه معتزلیان اهمیت فراوانی دارد. آثار بصیر در میان قرائیم بیزانسی به واسطه ترجمه‌های عبری که توبیاس بن موسی (زنده در ۱۱۴۱/۱۷۲۹) انجام داده، شناخته شده و رواج داشته است.<sup>۳</sup>

### قرائیم و نقش آنها در حفظ میراث معتزله

از ویژگی‌های جالب توجه قرائیم، توجه و علاقه آنها به میراث معتزله است، به واقع قرائیم علاوه بر تأثیرپذیری از میراث معتزله، به کتابت و استنساخ آثار معتزلی نیز پرداخته‌اند. همچنین

---

برای بخش‌هایی موجود از مقدسیات نک: Madelung and Schmidtke, 2006, 69-73.

1. Madelung and Schmidtke, 2006, 10-11.

2. Sklare, 1995, 256-262.

3. Sklare, 1995, 251, no.9.

بحث درباره جامعه قرائیم بیزانس از حوزه مقاله حاضر خارج است.

سنت‌های فکری متفاوت معتزله یعنی مکتب بهشمیه و مکتب ابوالحسین بصری موافقان و مخالفانی در میان قرائیم داشته است. مهمترین مدافع و پیرو نظرات مکتب بهشمیه، - نظام کلامی که ابوعلی و ابوهاشم جبائی آن را بیان کرده‌اند و قاضی عبدالجبار همدانی (د ۴۱۶) مهم‌ترین نماینده آن در قرن چهارم می‌باشد- در سنت قرائیم یوسف البصیر (د پس از ۴۳۱) می‌باشد که خود آثار فراوان کلامی تألیف کرده و در آنها به دفاع از نظرات قاضی عبدالجبار پرداخته و از مواضع کلامی ابوالحسین بصری به شدت انتقاد کرده است. بصیر در آثار کلامی خود چون کتاب *المحتوی* و کتاب *التمییز* که اثر نخست تفصیل و بسط یافته کتاب *التمییز* است، به صورت بارزی تأثیرپذیری خود از نظام کلامی قاضی عبدالجبار را نشان داده است.<sup>۱</sup>

در حالی که تقریباً تمام آثار معتزلیان به جز برخی آثار که در جریان انتقال میراث زیدیه و معتزله از ایران به یمن منتقل شده و چند اثر معتزلی که در برخی کتابخانه‌ها باقی مانده است، تألیفات معتزلیان در سراسر جهان اسلام از میان رفته است.<sup>۲</sup> آثار معتزلی نیز که به یمن منتقل شده تنها به سنت متاخر معتزله مربوط است و آثار معتزلیان نخستین تقریباً به طور کامل از میان رفته است. اهمیت سنت قرائیم در این است که بخشی از میراث معتزلیان خاصه متاخر و آثار قاضی عبدالجبار همدانی و ابوالحسین بصری توسط آنها حفظ شده است و گاه نسبت به آنچه که در سنت اسلامی باقی مانده، کامل‌تر است. در حالی که آثار ابوالحسین بصری (د ۴۳۶) در سنت اسلامی علیرغم آنکه آثارش دست کم تا قرن هشتم در دست بوده و از آن نقل قول می‌شده، به جز کتاب *المعتمد فی اصول الفقه* از میان رفته است، بخش‌هایی از آثار او خاصه اثر بسیار مهم کلامیش یعنی کتاب *تصفح الادلّه* در میان قرائیم متداول بوده و باقی مانده و برای مطالعه درباره کلام معتزلی اهمیت فراوانی دارند و حتی بر اساس آنها می‌توان علت نزاع میان پیروان قاضی عبدالجبار با ابوالحسین بصری را دریافت.<sup>۳</sup> همین گونه بخش‌هایی از کتاب *المعنی فی ابواب التوحید و العدل* قاضی عبدالجبار همدانی درباره وعد و وعید که در تنها نسخه شناخته شده یمنی آن موجود نیست و آثار دیگر معتزلی که در سنت

۱. برای گزارشی از آثار یوسف البصیر نک: Sklare, 1995, 249-270.

۲. درباره زیدیه و نقش آنها در حفظ میراث معتزله و انتقال نسخه‌های معتزلی از ایران به یمن (نک: رحمتی، ۱۳۸۸ش/ ۹۱-۹۷؛ Thiele, 2010, 536-558; Sklare, 1995, 253, no.14).

۳. برای اهمیت بخش‌های موجود از کتاب *تصفح الادلّه* و تفصیلی‌تر بودن آنها به نسبت نقل‌های باقی مانده در برخی آثار دیگر اسلامی و یا معتزلی (نک: Schmidtke, 2006, 108-142).

قرائیمی باقی مانده است<sup>۱</sup> و نسخه‌های مختلف از بخش‌هایی کتاب *المعنی* که گاه به نسبت نسخه‌های یمنی کامل‌تر و مشتمل بر اضافاتی می‌باشند، می‌تواند برای تصحیح مجدد کتاب *المعنی* به کار آید.<sup>۲</sup> در مواردی نیز بندهایی از آثار قاضی عبدالجبار و برخی معتزلیان کهن‌تر در سنت قرائیمی باقی مانده که منحصر به فرد است که از جمله آنها می‌توان به بخش‌هایی از *شرح اصول الخمسة* تألیف قاضی عبدالجبار همدانی، قطعه‌ای از شرح عبدالجبار همدانی بر کتاب *مختصر اسماء الله و صفاته* که شرحی بر کتاب همان نوشته صاحب بن عباد (د ۳۸۵)، اشاره کرد.<sup>۳</sup>

مهم‌ترین مجموعه آثار از میراث قرائیم که مشتمل بر نسخه‌های خطی معتزلی و گاه نسخه‌های برخی از آثار کهن کلامی شیعی همچون *ذخیره العالم و بصیره المتعلم علم الهدی* می‌باشند<sup>۴</sup>، مجموعه آبراهام فرکوویچ<sup>۵</sup> (۱۷۸۷-۱۸۷۴) از یهودیان قرائیمی است<sup>۶</sup> که در طی سفرهای مختلف خود به کنیسه‌های قرائیمی روزگارش به شام، فلسطین و مصر در سال‌های

---

1. Ben-Shammai, 1974, 295-304.; idem, 1975, 126-132.

بخش مذکور را عمر حمدان و زابینه اشمیتکه منتشر کرده‌اند. (نک: Hamdan and Schmidtke, 2008, 37-117).

۲. به عنوان مثال نسخه‌ای از جلد دهم کتاب *المعنی* (بحث استطاعت) در سنت قرائیم باقی مانده که مشتمل بر ده عنوان مورد است که در نسخه یمنی این بخش‌ها موجود نیست. اشمیتکه و عمر حمدان این بخش‌ها را در دست تصحیح و انتشار دارند. (نک: Schmidtke, 2007, 379-387).

۳. برای گزارش کاملی از نسخه‌های کتابت شده به حروف عربی مجموعه فرکوویچ که مشتمل بر آثار معتزلی و گاه تصحیح برخی آثار کوتاه آن مجموعه، (نک: Schmidtke, 2007, 377-462).

۴. برای توصیفی از نسخه مجموعه فرکوویچ از کتاب *الذخیره بنگرید به*: اشمیتکه، ۶۸-۸۴. درباره توجه قرائیم به آثار علم الهدی پیشتر توضیح داده شده است. در برخی کتابخانه‌های قرائیمی، تحریرهای اولیه آثار معتزلی که بعدها تحریرهای تلخیص شده‌ای از آنها در سنت اسلامی باقی مانده، حفظ شده است. به عنوان مثال کتاب *المجموع فی المحيط بالتکلیف* قاضی عبدالجبار که تحریر تلخیص شده آن به قلم شاگرد عبدالجبار، حسن بن متوبه باقی مانده در حالی که در سنت قرائیمی، بخش‌هایی از اصل کتاب باقی مانده است. (نک: H. Ben-Shammai, 1974, 296-300; Sklare, 1995, 254, no.15).

5. Abraham Firkovitch.

۶. درباره فرکوویچ و اهمیت مجموعه وی نک: Schmidtke, 2007, 377-378, no.6; Harviainen, 2003, 875-892.

۱۸۶۳ تا ۱۸۶۵ گردآوری کرده و اکنون در کتابخانه ملی روسیه نگهداری می‌شود.<sup>۱</sup> عموماً این نسخه بنا بر سنت متداول در میان قرائیم، به زبان عربی با حروف‌نگاری عبری است<sup>۲</sup> که قرائیم به جاری خط آرامی برگزیده بودند و آثار خود را به آن می‌نگاشته‌اند.<sup>۳</sup> قرائیم متأثر از معتزله، قائل به تنزیه باری بوده و عبارت‌های تشبیهی تورات را تأویل می‌کرده‌اند<sup>۴</sup> و در مسأله رویت باری نیز همچون معتزله می‌اندیشیده و رویت باری را نادرست می‌دانسته‌اند.<sup>۵</sup> بیرونی شرح مفصلی درباره دیدگاه عانان درباره رویت هلال و چگونگی تعیین آغاز ماه را آورده است.<sup>۶</sup>

### نتیجه

قرائیم که فرقه‌ای شکل گرفته در عراق در میانه قرن دوم بود، به عنوان جریانی فکری مهمی در سنت یهودیان ایران ریشه دوانید و توانست به جریانی در میان یهودیان ایران در سده‌های میانه تبدیل گردد. میراث فکری قرائیم ایرانی نقش مهمی در تحول سنت قرائیم در بعد داشته است. همچنین تعامل میان فرهنگ اسلامی و یهودیت در سده‌های میانه، تأثیر فراوانی بر فرقه قرائیم نهاده و عالمان قرائیم به نحو بارزی از میراث فکری معتزله متأثر شده و در ساخت نظام کلامی خود از آن بهره برده‌اند. قرائیم همچنین به حفظ و نگهداری میراث معتزله توجه فراوانی نشان داده‌اند و در حالی که میراث معتزله به جز تعداد اندکی نسخه‌های خطی عمدتاً در سنت زیدیه و تا حدی بسیار اندکی و در میان امامیه به صورت نقل قول‌هایی باقی مانده، در سنت قرائیم نیز تحریرهای گاه کامل‌تر از برخی آثار در دست معتزلی باقی مانده است. مطالعه میراث قرائیم می‌تواند به فهم نظام کلامی معتزله، خاصه جریان متأخر معتزله و مکتب کلامی ابوالحسین بصری که آثارش به نحو کامل باقی نمانده، اما بخش‌های مهمی از آثار از میان رفته او در سنت

۱. برای گزارش‌هایی از نسخه‌های معتزلی مجموعه فرکوپیج نک: Ben-Shammai, 1974, 295-304;

Schmidtke, 2007, 377-462.

۲. برای سنت نگارش متون عربی با خط عبری در میان قرائیم نک: Khan, 1992, 157-176.

3. Basal, 1997, 198-199.

نسخه‌های قرائیمی دیگری نیز در کتابخانه‌های دیگر دنیا و یا در گنیزه قاهره موجود است (نک: Sklare, 2003, 893-924).

۴. مقدسی، ۴/۳۴؛ قرقسانی، ۱/۱۶۵-۱۷۸؛ مسعودی، ۱۱۲-۱۱۳.

۵. قرقسانی، ۱/۱۷۰-۱۷۸.

۶. بیرونی، الآثار، ۶۸، ۳۵۲.

اسلامی در سنت قرائيم باقی مانده، کمک فراوانی کند. همچنين ميراث متکلمان قرائيمي متأثر از قرائيم برای شناخت نظام فکری معتزله اهميت اساسی دارد.

### کتابشناسی

ابن حزم، علی بن احمد، *الفصل فی الملل و الأهواء و النحل*، تحقیق محمد ابراهيم نصر و عبدالرحمن عميرة، بيروت، دارالجيل، ۱۹۷۷..

همو، *الاصول و الفروع*، تحقیق محمد عاطف العراقي و سهير فضل الله ابووافية، قاهرة، دارالنهضة العربية، ۱۹۷۸..

ابن ميمون، موسى، *دلالة الحائرين*، تحقیق حسين آتای، انقره، كلية الالهيات، ۱۹۷۴..

ايزيدور اپستاین، يهوديت: بررسی تاريخی، ترجمه بهزاد سالکی، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ايران، ۱۳۸۵ش.

اشمیتکه، زابینه، «نسخه‌ای کهن از کتاب الذخيرة شريف مرتضى (تاریخ کتابت: ۴۷۲)»، معارف، دوره بیستم، شماره ۲، مرداد - آبان ۱۳۸۲، ص ۶۸-۸۴.

احمد قنديل، عبدالرزاق، *الأثر الاسلامی فی الفكر الدينى اليهودی*، قاهرة، دار التراث بالقاهرة بالاشتراك مع مركز بحوث الشرق الاوسط، ۱۹۸۴/۱۴۰۴.

بوعمران، شيخ، *مسئله اختيار در تفکر اسلامي و پاسخ معتزله به آن*، ترجمه اسماعيل سعادت، تهران، هرمس، ۱۳۸۲ش.

بيروني، ابوريحان محمد بن احمد، *الآثار الباقية عن القرون الخالية*، تحقیق و تعليق پرويز اذکائی، تهران، ميراث مکتوب، ۱۳۸۰ش.

همو، *تحقيق ما للهند من مقولة مقبولة في العقل او مردولة*، حيدرآباد دکن، مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية، ۱۹۵۸/۱۳۷۷.

جواد علی، «ما عرفه ابن النديم عن اليهودية و النصرانية»، *مجلة المجمع العلمي العراقي*، المجلد ۱۰، ۱۹۶۲/۱۳۸۲.

جواد علی، «علم ابن النديم باليهودية و النصرانية»، *مجلة المجمع العلمي العراقي*، المجلد الثامن، (۱۹۶۱/۱۳۸۰)، ص ۸۴-۱۱۳.

خليفه حسن احمد، محمد، *تاريخ الديانة اليهودية*، قاهرة، دار قباء للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۹۹۸.

- دخت دقیقیان، شیرین، *نردبانی به آسمان: نیاشگاه در تاریخ و فلسفه یهود*، تهران، نشر ویدا، ۱۳۷۸ش.
- رحمتی، محمد کاظم، «نکاتی درباره معتزله متأخر: رکن الدین محمود ملاحمی و اهمیت وی در تکوین اعتزال»، *فرقه‌های اسلامی در ایران سده‌های میانه*، تهران، بصیرت، ۱۳۸۷ش، ۱۳-۲۸.
- همو، «میراث فرهنگی زیدیان ایران و انتقال آن به یمن» *تاریخ ایران*، شماره ۶۳/۵، زمستان ۱۳۸۸ش، ۹۱-۹۷.
- قاسم عبده قاسم، *اليهود في مصر، قاهرة، دار الشروق*، ۱۹۹۳/۱۴۱۳.
- قرقسانی، یعقوب ابن افرایم، *الانوار والمراقب*، بی جا، بی نا، ۱۹۳۹-۱۹۴۳م.
- کرینستون، جولوس، *انتظار مسیحا در آیین یهود*، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷ش.
- مسعودی، علی بن حسین، *کتاب التنبيه والاشراف*، لایدن، بریل، ۱۹۶۷.
- مقدسی، مطهر بن طاهر، *کتاب البدء والتاریخ*، تحقیق کلمان هوار، تهران، مکتبه الاسدی، ۱۹۶۲.
- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، *المواعظ والاعتبار فی ذکر الخطط والآثار*، حقه و کتب مقدمته و حواشیه و وضع فهرسه ایمن فؤاد سید، لندن، مؤسسه الفرقان لثراث الاسلامی، ۲۰۰۳/۱۴۲۴.
- مینوی، مجتبی، «ابوالعباس ایرانشهری»، *مجله دانشکده ادبیات مشهد*، سال اول، شماره ۳ و ۲، تابستان و پاییز ۱۳۴۴ش، ۱۳۳-۱۳۴.
- نصر، امنون، «سیری در تاریخ یهود ایران: نهضت‌ها و روش‌های دینی، فکری و نجات‌یابی»، *پژوهشنامه یهود ایران پادیاوند*، به کوشش امنون نصر، لس آنجلس، انتشارات مزدا، ۱۹۹۷.
- همو، عبدالمجید، *الفرق و المذاهب اليهودیه منذ البدايات*، دمشق، الأوائل للنشر و التوزیع، ۲۰۰۴/۱۴۲۵.
- ولفنسون، اسرائیل، *موسی بن میمون: حیاته و مصنفااته*، قاهره، مطبعة لجنة التألیف و الترجمة و النشر، ۱۹۳۶/۱۳۵۵.

Adang, Camilia, *Muslim Writers on Judaism and Hebrew Bible From Ibn Rabban to Ibn Hazm*, Leiden, Brill, 1996.

Idem, "The Karaites as Portrayed in Medieval Islamic Sources," in: *Karaite Judaism: A Guide to its History and Literary Sources*, ed., Meria Polliack, Leiden-Boston, 2003.

Ankori, Zvi, *Karaites in Byzantium: The Formative Years, 970-1100*, New York, 1959.

Bacher, W., "Qirqisani, the Karaite, and His Work on Jewish Sects," *The Jewish Quarterly Review*, Vol. 7, No. 4 (Jul., 1895), pp. 687-710.

Basal, Nasir, "Excerpts from the abridgment (Al-Muhtasar) of Kitab al-Kafi by Abu al-Farag Harun in Arabic script," *Israel Oriental Studies* 17 (1997), pp.197-225.

Ben-Shammai, Haggai, "A note on some Karaite copies of Mu'tazilite writings," *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* 37 (1974) pp.295-304.

idem, "Some Judaeo-Arabic Karaite fragments in the British Museum collection," *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* 38(1975), pp.126-132.

idem, "Studies in Karaite Atomism," *Jerusalem Studies in Arabic And Islam* 6(1985), pp.243-298.

idem, "The attitude of some early Karaites towards Islam," in I.Twersky (ed.), *Studies in Medieval Jewish History and Literature*, Harvard University Press, 1984, pp. 3-40.

Erder, Yaron, "The Karaites Sadducee Dilemma," *Israel Oriental Studies* xiv (1994), pp.195-226.

idem, "The Doctrine of Abu ÝIsÁ al-IÒfahanÐ and Its Sources," *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, 20 (1996), pp.162-197.

Fischel, Walter J., *Jews in the Economic and Political Life of Mediaeval Islam*, London, 1968.

Gil, Moshe, *Jews in Islamic Countries in The Middle Ages*, tr., David Strassler, Leiden-Boston, 2004.

idem, "The Origin of the Karaites," in: *Karaite Judaism: A Guide to its History and Literary Sources*, ed., Meria Polliack, Leiden-Boston, 2003.

Hamdan, Omar and Sabine Schmidtke, "Qāzī Abd al-Jabbār al-Hamadhānī (d. 415/1025) on the Promise and Threat. An Edition of a Fragment of his Kitāb al-Mughnī fī abwāb al-tawhīd wa l-adl preserved in the Firkovitch Collection, St. Petersburg (II Firk. Arab. 105, ff. 14-92)," *Melanges de l'Institut Dominicain d'Etudes orientales* 27 (2008), pp. 37-117.

Harviainen, Tapani, "Abraham Firkovich," in: *Karaite Judaism: A Guide to its History and Literary Sources*, ed., Meria Polliack, Leiden-Boston, 2003.

Khan, Geoffrey, "The medieval Karaite transcriptions of Hebrew into Arabic script," *Israel Oriental Studies* 12, 1992 pp.157-176.

Kister, M. J., "Haddithu 'an bani isra'ila wa-la haraja: a study of an early tradition," *Israel Oriental Studies* II (1972), pp.215-239.

Lasler, Daniel J., *Jewish Philosophical Polemics Against Christianity in the Middle Age*, New York, 1977.

Madelung, Wilferd and Sabine Schmidtke, *Rational Theology in Interfaith Communication Abu l-Husayn al-Basris Mutazili Theology among the Karaites in the Fatimid Age*, Leiden, 2006.

Madelung, W., "Abū l'-Husayn al-Basrī's Proof for Existence of God," in: *Arabic Theology, Arabic Philosophy. From the Many to the One. Essays in Celebration of Richard M. Frank*, ed., James E. Montgomery (Leuven, 2006), pp.273-280.

Mann, Jacob, "A Polemical Work against karaite and Other Sectaries," *The Jewish Quarterly Review*, New Series, Vol. 12, No. 2 (Oct., 1921), pp. 123-150.

Nemoy, Leon, ed and trans., *Karaite Anthology*, New Haven and London, 1952.

idem, "Anan Ben David and Karaite Origins," *The Jewish Quarterly Review*, New Series, vol.68, no.3 (1978), pp.129-145.

Polliack, Meira, "Medieval Karaite Views on Translating the Hebrew Bible into Arabic," *The Journal of Jewish Studies*, 47 (1996), pp.64-84.

al-Qirqisani, Yaqub, *Kitab al-Anwar walmaraqib: Code of Karaite Law*, ed., Leon Nemoy, New York, 1939-1943.

Shamuel, Magdi, "The Karaite Calendar: Sanctification of the New Moon by Sidhting," in: *Karaite Judaism: A Guide to its History and Literary Sources*, ed., Meria Polliack, Leiden-Boston, 2003.

Sklare, David E., "Yusuf al-Basir: theological aspects of his Halakhic works," in: *The Jews of medieval Islam: community, society, and identity: Proceedings of an International Conference held by the Institute of Jewish Studies, University College London 1992*, ed. Daniel Frank, Leiden, 1995, pp.249-270.

idem, "A Guide to Collections of Karaite Manuscripts," in: *Karaite Judaism: A Guide to its History and Literary Sources*, ed., Meria Polliack, Leiden-Boston, 2003, pp.893-924.

idem, *Samel Ben Íofni and his Cultural World: Texts and Studies*, Leiden: Brill, 1996.

Schmidtke, Sabine, "The Karaites Enconter With The Thought of Abu L-Husayn Al-Basri (D. 436/1044). A Survey of The Relevant Materials in The Firkovitch-Collection, ST. Petersburg," *Arabica*, tome LIII, 1(2006), pp.108-142.

idem, "Mutazilī Manuscripts in the Abraham Firkovitch Collection, St. Petersburg. A Descriptive Catalogue," in: *A Common Rationality. Mutazilism in Islam and Judaism*, eds., Camilla Adang, Sabine Schmidtke & David Sklare. Wurzburg: Ergon, 2007, pp. 377-462.

Sabine Schmidtke with Wilferd Madelung, "Yūsuf al-BaÖir's First Refutation (Naq) of Abu l-Iusayn al-BaJrī's Theology," in: *A Common Rationality. Mutazilism in Islam and Judaism*, eds., Camilla Adang, Sabine Schmidtke & David Sklare. Wurzburg: Ergon, 2007, pp. 229-296.

idem, "Abū al-usayn al-BaÖr on the Torah and its Abrogation," *Mélanges de l'Université Saint Joseph* 61 (2008), pp. 559-80.

Schwarb, Gregor, "Sahl b. al-FaAl al-Tustarī's Kitab al-Īmā P *Ginez Qedem* 2 (2006), pp.61\*-105\*.

Thiele, Jan, "Propagating Mutazilism in the VIth/XIIth Century Zadiyya: The Role of al-Hasan al-Rassas," *Arabica* 57 (2010), pp. 536-558.